

عنصر تضاد در اشعار نیایشی میخائیل لرمانتف

مرضیه یحیی پور^{*} / جان‌اله کریمی مطهر^{**} / معصومه میرزایی^{***}

چکیده

اشعار میخائیل لرمانتف شاعر سده نوزدهم روسیه، تا امروز در میان منتقدان و اهل ادب، از جایگاهی ارزشمند برخوردار است. او در ادبیات روسی، به شاعر رمانتیک و عاصی محزون، معروف است. از ویژگی‌های برجسته شعری وی، تضاد و تقابل و ایجاد تردید عذاب‌دهنده در درک مفاهیم است. لرمانتف با اشعارش در خواننده، دوگانگی آزاردهنده‌ای را ایجاد می‌کند. در این مقاله به مضامین شورشی در اشعار شاعر و ویژگی‌های اشعار نیایشی او اشاره می‌شود. وی طی سال‌های ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۹ چهار شعر با عنوان «نیایش» سروده است. از ویژگی بارز این اشعار این است که شاعر به شیوه منحصر به فرد خود (نیایش من) با خدا سخن می‌گوید. با بررسی اشعار نیایشی وی می‌بینیم که شاعر گاه حتی با نیش زبان و طبع سرکش خود در مقابل پروردگار می‌ایستد (اشعار سال‌های ۱۸۲۹ و ۱۸۳۳). این تصور ایجاد می‌شود که قهرمان اثر از پروردگار گله‌مند است و به مقابله با او برخاسته یا هیچ تمایلی به چشم‌پوشی از عطش شعرسرایی و امیال عالم خاکی ندارد؛ ولی دو شعر سال‌های ۱۸۳۷ و ۱۸۳۹ با اشعار قبلی او از منظر سخن گفتن با خالق هستی متفاوت است. در این مقاله به مقایسه اشعار مرتبط با دعا و نیایش و چهار شعر لرمانتف با عنوان «نیایش» پرداخته می‌شود. با بررسی اشعار نیایشی لرمانتف به این نتیجه می‌رسیم که دو شعر اول (با عنوان نیایش) دارای ویژگی تردید و در تضاد با خالق است؛ اما دو شعر بعدی (با عنوان نیایش) خضوع شاعر در مقابل پروردگار را نشان می‌دهند و بیانگر روح جست‌وجوگر، اعتقادات مذهبی و شکل واقعی عبادت یک فرد مذهبی است و روحیات

عرفانی شاعر در آن‌ها تجلی یافته است. بررسی این اشعار نشان می‌دهند که شاعر مردد چگونه از طریق طبیعت به خودشناسی و سپس به خداشناسی می‌رسد.

کلیدواژه: میخائیل لرمانتف، نیایش، تضاد، طبیعت، خداشناسی.

مقدمه

شاعران نامداری از ایران (عطار، نظامی، مولوی، سعدی و...) و از روسیه (و.آ. ژوکوفسکی، پ.آ. ویازمسکی، پوشکین، لرمانتف، و.ک. کیوخلبکر، بونین و...) به موضوع نیایش در اشعار خود اشاره کرده‌اند. اشعار نیایشی شاعران ایرانی و روسی از آموزه‌های دینی و اعتقادی آن‌ها نشئت گرفته است. در سنت دینی، دعا به منزله عمل اصلی معنوی، گفت‌وگوی درونی با خدا، راهی به سوی خدا، زاری دل، مام تمام اعمال نیکو، تکیه‌گاه معنوی و راهی به سوی احیای روح، درک می‌شود. «نیایش در ادبیات فارسی هم تعبیر گوناگون دارد و با واژه‌های حمد و ستایش، رازونیا، ذکر و تسبیح، برابر و برگرفته از باورهای دینی و فرهنگی نویسنده و شاعر است. پیرامون نیایش در متون ادبی کهن و معاصر سخن فراوان گفته شده است. دهخدا واژه نیایش را چنین تعبیر کرده است: «دعا، آفرین، دعای نیکو، آفرین و تحسین، دعایی باشد که از روی تضرع و زاری کنند، ستایش، خواهش، عبادت» (یحیی پور ۱۳۹۸، ۳۲). این نوع ادبی در ادبیات روسیه نیز از جایگاهی شایسته برخوردار است. میخائیل لرمانتف^۱، شاعر پرآوازه روسی نیز به موضوع پرداخته است.

میخائیل لرمانتف (۱۸۴۱-۱۸۱۴ م.) شاعر، نویسنده، نمایشنامه‌نویس و مترجم سده نوزدهم ادبیات روسی است که سرودن شعر را از سیزده چهارده سالگی آغاز کرد. از دست دادن مادر در سه سالگی و به دنبال آن، ایجاد فضای متشنج در خانواده به دلیل اختلاف طبقاتی میان مادر بزرگ اشرافی که علاقه‌مند بود بعد از مرگ دخترش نوه‌اش را خود تربیت کند و پدر که افسری ساده بود، تأثیر و زخمی عمیق بر روحیه شاعرانه

1. Лермонтов М.Ю. (Lermontov M.Ju.)

او گذاشت. موضوع اشعار دوره نخست لرمانتف بیشتر به مسائل خانوادگی اشاره دارند و دوره دوم اشعار او دارای مفاهیم سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فلسفی هستند.

لرمانتف با وجود عمر کوتاه، توانست آثار ارزنده و با معروفیت جهانی از خود بر جای بگذارد؛ مانند رمان *قهرمان عصر ما*^۱ که از نظر آبرامووا^۲ شخصیت قهرمانانش مملو از «احساسات و عواطفی چون: شادی، غم، تعجب، کینه، کنجکاوی، نفرت، شرم، حس گناه و ترس» است (Абрамова, В.И. 2018: 11). منظومه‌های «متسیری»^۳، «ابلیس»^۴ و اشعار بی‌بدیلی مانند «مرگ شاعر»^۵، از استعداد شعری خارقالعاده او حکایت دارند. در میان منظومه‌ها و اشعار او، به اشعاری با مفاهیم (مستقیم یا غیرمستقیم) نیایش برمی‌خوریم که در بیشتر آن‌ها از شیوه مورد علاقه خود، یعنی تضاد و تقابل برای بیان اندیشه‌ها، اعتقادات و احساسات استفاده کرده است.

علت مشهور بودن لرمانتف در ادبیات روسی به شاعر عاصی محزون و رمانتیک چیست؟ از ویژگی‌های اخلاقی لرمانتف، نفرت از پستی انسان است و در اشعار متعددی، افراد چاپلوس و دورویی را که رشک پنهان و افترا، ویژگی بارز آن‌هاست، نکوهش می‌کند و خود را در این دنیای پریهاو تنها می‌یابد. رایفسکی^۶، دوست لرمانتف درباره‌اش می‌نویسد: «پستی‌هایی را که در انسان‌هاست بر نمی‌تافت؛ اما با آدم‌های ساده و صادق خود او ساده و دوست‌داشتنی بود» (لرمانتف، ۱۹۸۸: ۱۰). در بیشتر اشعار او این خصلت به‌وضوح به چشم می‌خورد. ویژگی این گونه افراد، او را عاصی می‌کرد. نویسنده، شاعر و منتقد سده بیستم روسیه، دمیتری مرژکوفسکی^۷ در کتاب *لرمانتف، شاعر مافوق بشر گفته است*: «در ادبیات روسی، لرمانتف تنها کسی است که سازش نکرد و واقعاً فردی مغرور بود» (مرژکوفسکی، ۱۹۹۱: ۳۸۴).

1. Герой нашего времени (Geroj nashego vremeni)

2. Абрамова В.И. (Abramova V.I.)

3. Мцыри (Mcyri)

4. Демон (Demon)

5. Смерть поэта (Smert' pojeta)

6. Раевский С.А. (Raevskij S.A.)

7. Мережковский Д.С. (Merezhkovskij D.S.)

اما این شاعر عاصی، اشعاری با مضامین نیایش دارد. نیایش که عامل احیای روح انسان و سوق دادن او به سوی خداست، با اشکال گوناگون (شکرگزاری، ستایش، تسبیح، شکر، خلوت با معبود، زاری، رازونیا و...) در نظم و نثر کهن و معاصر بر اساس اعتقادات، وارد ادبیات شده است. «نیایش، اشکال گوناگون دارد و در ادبیات مثنوی و منظوم، غالباً حامل پیام خداشناسی و پیوند انسان با عالم ملکوت و در واقع خلوت کردن نویسنده و شاعر با معبود است» (یحیی پور و همکاران، ۱۳۹۸). نیایش به عنوان ژانر شعری روسی از نظر ژنتیکی از کتاب مقدس مزامیر گرفته شده است (در ترجمه از عبری کهن، این همان «کتاب ستایش»^۱ است). سنت شعری نیایشی برگرفته از مزامیر، بر اساس رجوع و توسل قهرمان شعر به خدا تنظیم شده و حاوی عنصر موضوعی ستایش، شکایت یا درخواست و تمناست.

منتقد معاصر تاتیانا کاشمچوک^۲ معتقد است در اشعار روسی سده‌های هجده و نوزده، «تقریباً در آثار هر شاعری، شعری با مضمون پیامبرانه، بازگویی سوژه‌های کتاب مقدس، دعاها، مخصوص به خود، اشعاری درباره جهان ماورایی و جهان حیوانی، تفکر درباره انسان، موضوع راه انحصاری شاعر، ژانر خود، اهریمن خود، فرشته خود و همچنین صومعه‌اش در ملکوت وجود دارد» (کاشمچوک، ۲۰۰۹: ۶).

اشعار نیایشی میخائیل لرمانتف بخش قابل ملاحظه‌ای در گسترش ژانر شعر روسی قلمداد می‌شود. اشعار او به دلیل غزلیات ستایش‌آمیز و تقریباً صداقت کودکانه‌اش از اشعار دیگر شاعران هم‌عصرش متمایز هستند. دمیتری مرژکوفسکی در جای دیگری از کتاب خود می‌نویسد: «اشعار وی برای ما همچون محفوظات نیایشی از دوران کودکی است» (مرژکوفسکی، ۱۹۹۱: ۳۷۸).

یکی از همین نیایش‌ها برای مرژکوفسکی، شعر «فرشته»^۳ (۱۸۳۱) لرمانتف بود: نیمه‌شب در گستره آسمان فرشته‌ای پرواز می‌کرد.

1. Книга Хвалений (Kniga Hvalenij)
2. Кошемчук Т.А. (Koshemchuk T.A.)
3. Ангел (Angel)

بند آغازین شعر که بیانگر مناجات مقدس شبانه است، ویژگی خاص نیایش، احساس عرفانی ستایش آمیز را به دست می‌دهد. شاعر در بند دوم از اوج دل‌های پاکی سخن می‌گوید که با نجواها و مناجات خالصانه شبانه سعادت‌مند شده، در جنت سیر می‌کنند. این فرشته که در تصور شاعر، مادر اوست، فرزندش را به عالم زمینی می‌سپارد؛ جایی که با وجود زندگی مرفه هرگز روی آرامش به خود ندید و ترانه‌های زیبای زمینی هیچ‌گاه نتوانستند جایگزین طنین آسمانی، یعنی همان ترنم همیشه جاودان مادرش شوند. ولادیمیر سالائوخن^۱ نویسنده، شاعر و متفکر معاصر روسی می‌گوید: «شعر فرشته، کلید فهم تقریباً کلیه اشعار لرمانتف است» (سالائوخن، ۱۹۸۹: ۴).

فرشته

نیمه‌شب در گستره آسمان فرشته‌ای پرواز می‌کرد
و نغمه‌ای آرام نجوا می‌کرد
هم ماه، هم ستاره‌ها و هم ابرها
گوش جان به آن ترانه مقدس سپرده بودند
او از اوج سعادت دل‌های پاک می‌خواند
به زیر خیمه بوستان‌های بهشتی
در باره خداوند بزرگ می‌خواند و ثنایش
خالصانه بود
او روح جوانی در آغوش داشت
برای عالم خاکی اندوه و اشک
و طنین ترنمش در روح جوان
باقی ماند، بی کلام، لیک حی
و مدت مدیدی در جهان نیاسود
و سرشار از رؤیاهای شگفت بود

و ترانه‌های اندوهناک زمینی

قادر نبودند جای طنین‌های آسمانی را در وجودش بگیرند (ترجمه: م. یحیی پور)
«شعر فرشته که ما گفت‌وگو درباره‌ی نیایش لرمانتف را از آن آغاز کردیم، نیایشی
به مفهوم واقعی کلمه جدی نیست. نیایشی از نسل مذهبی است که نوع خاصی از
عبادت را برای خود مقرر کرده که در آن خواهان حضور پربرکت الهی است»
(آویرینتسو^۱، ۱۹۸۶: ۱۸۹-۱۹۴).

پیری والووا^۲، پژوهشگر معاصر خاطرنشان می‌کند در ادبیات روسی «شعر نیایشی،
نوعی خاص از شعر تغزلی دوران جدید است که بر فریضه نیایش (متون برگرفته از
عبادات کلیسایی) متمرکز شده و متشکل از معماری خاصی (رویکرد اصل الهی، بیان
تقاضا و پایان مشروع) با گفت‌وگو و مجموعه انگیزشی پایدار است» (پیری والووا،
۲۰۱۵: ۷).

درباره اشعار نیایشی لرمانتف، علاوه بر پژوهش‌های ذکرشده از مرژکوفسکی،
پیری والووا و آویرینتسو، می‌توان به مقاله ویچسلاف کاشلیف^۳، دیگر پژوهشگر
معاصر، با عنوان «چهار نیایش م.یو. لرمانتف» نیز اشاره کرد که در آن، نویسنده مقاله
علی‌رغم دیدگاه برخی معاصران شاعر که او را «بی‌دین و بی‌اخلاق» می‌خواندند، او را
فردی مذهبی بر اساس اشعار نیایشی‌اش معرفی می‌کند و معتقد است که این اشعار «به
عروج عقل و دل به سوی خدا» اشاره دارند. همچنین می‌توان به مجموعه مقالات
همایش بین‌المللی با عنوان «م. لرمانتف و ارتدوکس»^۴ که سال ۲۰۱۰ برگزار شد، اشاره
کرد.

1. Аверинцев С.С. (Averincev S.S.)
2. Перевалова О.А. (Perevalova O.A.)
3. Кошелев В.А. (Koshelev V.A.)
4. Перевалова О.А. (Perevalova O.A.)

با این مقدمه باید دید که لرماتنف چگونه خدا را در اشعار نیایشی خود توصیف می‌کند. آیا او منکر خداست؟ اشعار نیایشی و قهرمانان آن چه ویژگی‌هایی دارند؟ شیوه به کار گرفته شده در اشعارش چگونه است و خاستگاه آن کجاست؟

بحث و بررسی

در ادبیات روسی، همانند ادبیات فارسی، اشعار نیایشی، یکی از انواع ادبی (ژانر نیایش) محسوب می‌شود که غالباً غنایی هستند. در ادبیات فارسی در تقسیم‌بندی شعر، نیایش را بیشتر غنایی - تعلیمی قلمداد می‌کنند. «در ادبیات فارسی، ناقدان شعر را به چهار نوع اصلی تقسیم می‌کنند: حماسی، نمایشی، غنایی و تعلیمی. نیایش‌های منظوم فارسی علاوه بر جنبه احساسی و عاطفی، درس خدانشناسی، انسان‌شناسی و حتی جهان‌شناسی است. بنابراین اشعار نیایشی را می‌توان غنایی - تعلیمی نامید، هر چند جنبه غنایی آن اصلی و بسی پررنگ‌تر و نمایان‌تر است» (ملک ثابت، ۱۳۸۵: ۱۳۳ و ۱۳۹). در میان اشعار لرماتنف، چهار شعر با عنوان نیایش به چشم می‌خورد که طی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۸۳۹ سروده شدند:

۱. «نیایش»^۱ (ای قادر متعال، مرا سرزنش مکن)، ۱۸۲۹؛

۲. «نیایش افسر جوان»^۲ (ای پادشاه آسمان!)، ۱۸۳۳؛

۳. «نیایش»^۳ (ای مریم مقدس، اکنون من با تمنایی ایستاده‌ام)، ۱۸۳۷؛

۴. «نیایش»^۴ (در لحظات سخت زندگانی)، ۱۸۳۹.

از نظر مرژکوفسکی شعر «فرشته» لرماتنف برای توسعه ژانر نیایش از این جهت حائز اهمیت است که در آن به شکل واضح و غیرمعمول ویژگی خاصی از بینش ابدی توسط شاعر، انعکاس یافته است. روحی که توسط فرشته حمل و حفاظت می‌شود، از سیماهای کلیدی «کلاسیکی» و معمای شعر «نیایش» (۱۸۳۷) لرماتنف است:

1. Молитва (Molitva)
 2. Юнкерская молитва (Junkerskaja molitva)
 3. Молитва» (Molitva)
 4. Молитва» (Molitva)

نیایش

ای مریم مقدس، اکنون من با تمنایی ایستاده‌ام
مقابل تمثال تو که درخشان و نورانی است
نه برای نجات خود، نه پیش از نبرد
نه از برای سپاسگزاری یا اعتراف،
برای روح تهی خود دعا نمی‌کنم،
برای روح سرگردان بی‌موطن تو سل جسته‌ام
من می‌خواهم به حامی گرم دنیای سرد
این دوشیزه را اهدا کنم
دربر بگیر با سعادت این روح برازنده و شایسته را
همرهانی سرشار از توجه به او ارزانی کن
جوانی شاداب، پیری آرام،
به این قلب مهربان، دنیای امید ببخش
اگر زمان لحظه وداع نزدیک است
در صبحی پرهیاهو، در شبی ساکت
تو برای قبض روح زیبای محضتر بهترین فرشته را
بفرست به سوی بستر اندوهگینش (لرمانتف، ۱۹۷۹-۱۹۸۱: ۳۸۰) (ترجمه: م.
یحیی پور)

خواسته اصلی قهرمان شعر در مقابل تمثال حضرت مریم (س)، درخواست کمک
برای خود نیست؛ بلکه برای آواره بی‌وطن (برای روح تهی خود دعا نمی‌کنم/ برای
روح سرگردان بی‌موطن تو سل جسته‌ام) است. قهرمان، خواستار شفاعت مریم مقدس
برای روح دوشیزه جوان است. نیایشگر که یکی از سه قهرمان مونولوگ اثر است، از
مریم مقدس حمایت گرم در مقابل دنیای سرد را برای دوشیزه طلب می‌کند که مهم-
ترین و نهایی‌ترین درخواست تجلی می‌شود:

اگر زمان لحظه وداع نزدیک است

در صبحی پریهاهو، در شبی ساکت

تو برای قبض روح زیبای محضتر بهترین فرشته را

بفرست به سوی بستر اندوهگینش

از نظر مرژکوفسکی، این روح زیبا، تداعی کننده مادر شاعر است: «در تطبیق دو شعر «فرشته» و «نیایش»، سناریو نیایش‌های لرمانتف روشن می‌گردد. در شعر «نیایش»، شروع لطیف و فرشته‌واری حاکم است که از لحظه پیدایش روح بر روی زمین تا لحظه وداع، محافظ اوست. لازم است به این نکته توجه شود که در سیمای مقتدر فوقانی، چهره زنانه‌ای حکم فرماست که شاید با خاطرات دوران کودکی شاعر مرتبط است. در ضمن هم سیمای مادر و هم سیمای فرشته را ترانه‌ای همراهی می‌کند: «نجوهای آسمانی»، «ترنم مقدس» که ترانه‌های دلگیر زمینی نمی‌توانند جایگزین آن‌ها شوند. لرمانتف می‌نویسد آهنگی را از مادرش که کلماتش را فراموش کرده به خاطر می‌آورد و یادآوری آن موجب اشک تأثر می‌شود. زمانی که سه ساله بودم، آهنگی بود که از آن گریه‌ام می‌گرفت. اکنون قادر به یادآوری آن نیستم؛ ولی مطمئنم اگر آن را بشنوم همان تأثیر را بر من خواهد گذاشت. آن آهنگ را مادر مرحومم برایم می‌خواند. آهنگ مادر همان آهنگ فرشته است» (مرژکوفسکی، ۱۹۹۱: ۳۹۰).

و طنین ترنمش در روح جوان

باقی ماند، بی کلام، لیک حی

همان گونه که مرژکوفسکی معتقد است، «لرمانتف، نیایش‌وار روح جوان را برای پسر، یعنی حضرت عیسی (ع) نمایان نمی‌سازد؛ بلکه برای مادر، یعنی حضرت مریم (س) آشکار می‌کند. «قابل توجه است که در تمام اشعار خود، گویی در نزاع ابدی با مسیحیت است و نامی از حضرت مسیح نمی‌برد.

از مادر تمثال مقدس را دریافت کرده است:

به تو می‌دهم در راه

تمثال مقدس را

اما این تمثال، تصویر پسر، عیسی مسیح نیست؛ بلکه تمثال مادر، یعنی حضرت مریم است. در کنار پسر به مادر نزدیک شد و به مادر تعظیم کرد» (مرژکوفسکی، ۱۹۹۱: ۴۱۲-۴۱۳).

برخلاف جدال ابدی با مسیحیت که توسط مرژکوفسکی مطرح شده است، توجه به خدا جزئی از عناصر موضوعی مهم برای لرمانتف است که انگیزه کلام زنده می‌شود. روشن‌ترین تأثیر آن بر روح قهرمان در شعر «نیایش» (۱۸۳۹) منعکس می‌شود. «در زندگی لرمانتف، لحظات سختی بود که او احساس می‌کرد تنها با دعا و نیایش به درگاه خداوند می‌تواند آن‌ها را تحمل کند. او دعا را راه نجات از دل‌تنگی و برای آرامش روحی، ضروری می‌دانست. شاعر در دعا مضمونی خاص و مقدس می‌بیند؛ وسیله‌ای برای ترمیم زخم‌های درون. انسانی که از سرنوشت، ضربه‌های بسیار خورده است، تنها می‌تواند به یک معجزه امیدوار باشد و این معجزه برای او دعاست. شعر «نیایش»، معنای فلسفی عمیقی دارد و تشویش‌های شاعر را آشکار می‌سازد.

نیایش

در لحظات سخت زندگانی

که دل‌تنگی و اندوه به قلب هجوم می‌آورد،

تنها یک نیایش شگفت را

مدام از حفظ زمزمه می‌کنم

نیرویی پرخیر

در هم‌آوایی کلمات زنده

با لطافتی مبهم و مقدس در آن‌ها شکوفاست

و به‌سان باری که از روح جدا می‌شود،

تردید دور است

و ایمان دارد و می‌گرید

و این چنین سبکبال و سبکبال...» (یحیی پور، ۱۳۹۶: ۲۲۹).

به نظر می‌رسد گاهی شکوه از سرنوشت و نبود هارمونی با دنیای اطراف، سبب پیدایش اشعاری می‌شود که گویی لرمانتف در آن‌ها به مقابله با پروردگار برخاسته است. در حقیقت، موتیف واژه نیرویی پرخیر که در آن نهفته است، همان لحظه‌ای است که شرط اصلی احساس نیایش محسوب می‌شود و در همان زمان «عنصر خدانشناسی» در نیایش به وجود می‌آید که رقابتی را بین قهرمان شعر و خدا پدیدار می‌سازد.

اگر خواننده، هم‌زمان با «عناصر خدانشناسی و خدانشناسی» در شعر مواجه است، شاید دلیل آن اوج ایمان شاعر است. در معارف اسلامی، تعبیر زیبایی از پذیرش خیر و شرّ توسط مؤمن شده است. مؤمن، کلیت هستی را در جهت خیر می‌بیند و حتی اگر امری برای او شرّ باشد، باز شکرگزار است. اگر فرد با همه رموز خلقت آشنا نباشد، در مقابل شرّ، کاسه صبرش لبریز می‌شود و ناسپاسی می‌کند؛ ولی ما در بیشتر اشعار لرمانتف می‌بینیم که هم برای خیر و هم شرّ، خدا را سپاس می‌گوید. البته این نوع نیایش در پژوهش پیری‌والووا (انواع ژانر نیایش‌های لرمانتف)، گونه‌ای خاص با عنوان «نیایش من»^۱ نام دارد که در جهت تقویت ذهن و حتی وضعیت تقابل قهرمان و خدا شکل گرفته است. اشعاری از نوع «نیایش من»، از اشعار دوران نوجوانی لرمانتف محسوب می‌شوند؛ مانند «نیایش» (ای قادر متعال، مرا سرزنش مکن) که در سال ۱۸۲۹ سروده شده است؛ خواننده به‌ظاهر با سیمای قهرمانی «عاصی و جسور» و «با روحیه قوی»، مواجه است:

نیایش

ای قادر متعال^۲، مرا سرزنش مکن

تمنا می‌کنم، مجازاتم نکن،

۱. یعنی شاعر به شیوه منحصربه‌فرد نیایش می‌کند.

۲. واژه‌های قادر و تو و همچنین کلیه ضمایر مربوط به آن در متن روسی با حرف بزرگ نوشته شده‌اند که خطاب به پروردگار است.

از این رو که ظلمتِ زمینِ قبر را
با تمامی امیالش دوست دارم
از این رو که جریان سخنان پر جنب و جوش (زنده) تو
به ندرت در روانم ساری و جاری می‌شود
چراکه در گمراهی پر سه می‌زند
عقل من از تو دور است
چراکه گدازه‌های الهام بخش
در سینه‌ام در فوران است
چراکه تشویش‌های غریب
شفافیت دیدگانم را تیره می‌کنند
چراکه عالمِ خاکی برایم تنگ و خفه است
پروردگارا! از نزدیکی به تو می‌ترسم
و اغلب با آوای ترانه‌های گناه‌آلود
خدایا! به تو توسل نمی‌جویم

لیک خاموش کن این شعلهٔ حیرت‌انگیز
خرمن آتش فراگیر را
قلبم را به سنگ مبدل ساز
چشمان حریصم را متوقف کن
از عطش هراس‌انگیز شعرسرایی
پروردگارا! بگذار رهایی یابم
هنگام گذر از راه باریک رستگاری

دگر بار به تو روی خواهم آورد (لرمانتف، ۱۹۷۹-۱۹۸۱: ۶۸) (ترجمه: م. یحیی -

پور)

این شعر دارای تضادی گسترده و ژرف است. چنین ترکیب ژرف تضاد، از ویژگی‌های ژانر نیایش محسوب می‌شود: پارسایی و خیانت، حضور پروردگار در زندگی انسان و روی گردانی خدا از انسان. روی گردانی خدا بزرگ‌ترین تراژدی رنج‌آور بشر محسوب می‌شود. چنین رنج‌های خالص بشری (خارج از خدا) برای نمونه در باب ۱۰۲ مزامیر کتاب عهد عتیق آمده است:

«ای خداوند، دعای مرا بشنو و به فریادم گوش فراده!

وقتی که در زحمت هستم، روی خود را از من برنگردان!

به من توجه فرما و هرگاه دعا می‌کنم، بی‌درنگ مرا اجابت فرما!

عمرم چون دود به سرعت ناپدید می‌شود و استخوان‌هایم همچون چوب خشک می‌سوزد.

دل من مانند گیاهی است که کوبیده و خشک شده باشد، غذا خوردن را از یاد برده‌ام.

با صدای بلند می‌نالم. جز پوست و استخوان چیزی در بدنم نمانده است» (مزامیر، ۱۰۲، آیات ۱-۵).

همان طور که اشاره شد، تقابل و تضاد، یکی از شیوه‌های مورد علاقه لرمانتف برای بیان اندیشه‌ها و احساسات است. «اغلب اشعار او بر اساس تقابل سروده شده‌اند: ابرهای خونسرد و آزاد در مقابل شاعر دوستدار وطن، اما رانده‌شده (شعر ابرهای سیاه^۱)، برگ بلوط خشکیده در مقابل چنار زیبا، جوان و تنومند (شعر برگ^۲) و در شعر سه نخل^۳ واحه سرسبز شکفته‌شده در مقابل بادیه خشن و تهی قرار می‌گیرند. اینگونه تضادها و مقایسه‌ها در آثار لرمانتف به وسیله واژه‌ها، عبارات یا مناظر بیان می‌شوند و ابزاری برای بیان اندیشه شاعر در نظم و نثر هستند» (یحیی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸).

1. Тучи (Tuchi)
2. Листок (Listok)
3. Три пальмы (Tri pal'my)

ذوق شاعرانه لرمانتف در شعر «نیایش»، راه به سوی خدا را بر روی قهرمان اثر می‌بندد. او ظلمت زمین قبر را با امیال زمینی دوست دارد، در سینه‌اش گدازه‌های الهام‌بخش در فوران است و عقل در گمراهی دور از خدا پرسه می‌زند. به نظر می‌رسد شاعر قصد آشتی ندارد و توبه نمی‌کند؛ ولی خواهان عدم سرزنش و عدم مجازات است.

در بخش دوم شعر که در تضاد با بخش اول است، توبه را تجسم نمی‌کند؛ بلکه عدم تمایل به چشم‌پوشی از وظیفه شاعرانه شخصی را تأیید می‌کند. رجوع شاعر به راه رستگاری به معنای مرگ اوست: شعله شگفت‌انگیز خاموش می‌شود، قلب سنگ و سخت می‌شود، نگاه متوقف می‌شود، رهایی از عطش هراس‌انگیز شعرسرای برای شاعر امکان‌پذیر نیست. «روان کاوی کنکاش درونی در مرکز ثقل شعر نهادینه شده است. قهرمان اثر در عین حال که انتظار حمایت از خالق هستی را دارد، هم‌زمان ارزش شخصیت خود را که در جست‌وجوی آزادی و خلق اثر است، به رخ می‌کشد» (<https://pishi-stihi.ru>). به تکرار واژه تنگ و خفه (باریک) در بخش اول و دوم شعر توجه می‌کنیم؛ در بخش اول بیان شده: عالم خاکی برایم تنگ است و در بخش دوم: راه باریک رستگاری. به نظر می‌رسد شعر بر اساس تقاضا یا تمنای بخشش است؛ اما خود قهرمان درک می‌کند که این بخشش پذیرفته نیست. اگر تمام جهان در شعف شاعرانه برای او تنگ شود، او سپس در راه باریک رستگاری به سادگی می‌میرد. در واقع نشانه‌های مرگ و نیستی به وضوح در نمونه‌های قلب سنگی، توقف نگاه، نه تنها خاموشی شعله الهام‌بخش، بلکه زندگی را هم به همراه دارد.

همان‌طور که پیری‌الووا خاطر نشان می‌کند، «فاعل شعر به خداوند قادر مراجعه می‌کند، نه از جهت تقاضا، بلکه به دلیل اعتراف به ناتوانی خویشتن و مانند مسیحی راستین در نیایش خود دست از ستیزه با خدا برمی‌دارد. نیایش خودتثبیتی فاعل شعری، خودتوجهی و اقرار به ارزش فوق‌العاده عالم خاکی با امیالش واقع می‌شود» (پیری‌الووا، ۲۰۱۴: ۴۰).

همان‌گونه که می‌بینیم، «نیایش من» به‌عنوان گونه شعری لرمانتف، هم‌زمان هم جنبه اعترافی و هم پرهیزکاری را در خود دارد و این بیانگر توبه و سازش اصولی غیرممکن است. ظاهراً این وضعیت اشعار لرمانتف را که همان ویژگی سرکشی است، بیان می‌کند که در آن عصیانگری و ندامت هم‌زمان گنجانده شده است. این دوگانگی آزاردهنده به خواننده منتقل می‌شود و همین امر موجب توضیحی تا حدی عجیب، ولی دقیق از سوی اوسپ ماندلشتام^۱ (۱۸۹۱-۱۹۳۸)، شاعر سده بیستم روسیه شده است:

بر ما آزادی حاکم است

لرمانتف- عذاب‌دهنده ماست (ماندلشتام، ۱۹۹۰: ۱۸۹) (ترجمه: م. یحیی‌پور). می‌توان تصور کرد که لرمانتف دائم ما را با تردید خود عذاب می‌دهد. این نوسانات در شعرهای لرمانتف، یعنی تبدیل ایمان به بی‌اعتقادی، به‌شدت احساس می‌شود. شاعر، گویی با خدای خود معامله می‌کند. نمونه بارز این رفتار، شعر «سپاسگزاری»^۲ است (۱۸۴۰):

«تو را سپاس می‌گویم برای همه چیز، برای همه چیز

برای رنج‌های نهانی عشق

برای تلخی اشک‌ها و زهر آگینی بوسه‌ها

برای انتقام دشمنان و افترای دوستان

برای تب و روحم که در بیابان‌ها تباه شد

برای همه آنچه که در زندگی فرییم داد

لااقل چنان مقرر کن تا از این زمان تو را

اندکی سپاس گویم...» (لرمانتف، ۱۳۹۶: ۱۱۱) (ترجمه: م. یحیی‌پور و همکاران)

این شعر در سال ۱۸۴۰ در مجموعه «اشعار لرمانتف» وارد شد. در این مجموعه ضمیر تو با حرف کوچک نوشته شده است که به لطف آن در شعر، خطاب به زن

1. Мандельштам О. (Mandel'shtam O.)

2. Благодарность (Blagodarnost')

تلقی می‌شود. در ضمن این ضمیر در شعر، خطاب به خدا هم هست. لرمانتف با طعنه به دلیل رنج‌هایش سپاسگزاری می‌کند که سرچشمه آن‌ها ناهماهنگی غم‌انگیز با واقعیت است.

تصوری وجود دارد که این شعر بحث‌برانگیز، ضد شعر «نیایش» کراسوف^۱ (۱۸۱۰-۱۸۵۴)، شاعر روس است که ستایشگر ساختار خردمندانه و نیک جهان است و در مجله «یادداشت‌های میهنی»^۲ در سال ۱۸۳۹ چاپ شده است:

ای خالق، ستایش می‌کنم تو را، ستایش، سپاس!
تو قلبی آتشین دادی!

خلقت زیبای تو را چقدر دوست داشتم

با چه اشک‌هایی شکر به جا آوردم!

من می‌گیرم: این اشک‌ها مقدس هستند

پس ادای احترام قلبی به خالق

به جهت شادی‌ها و غم و فقدان‌ها

عشقم و نیایش‌ها و مناسکم برای توست

ای خالق! سپاس می‌گویم، برای همه‌چیز سپاس می‌گویم (کراسوف، ۱۹۶۴)
(ترجمه: م. یحیی‌پور).

از مقایسه دو متن می‌توان دید که در شعر «نیایش» کراسوف، روحیه ستایش‌آمیزی حکم‌فرماست. سه جمله ندایی متوالی در ابتدای شعر، بیانگر سیمای «اشک‌های مقدس» هستند.

تقلید طنزگونه نیایش لرمانتف، بسیار پیش از آن در سال ۱۸۳۳ در شعر «نیایش افسر جوان» مورد محک قرار گرفته بود. ریتم دقیق آن، قبل از هر چیزی مناسب برای رژه است تا برای مراقبه نیایشی؛ چراکه آهنگ خاصی را ایجاد می‌کند:

1. Красов В.И. (Krasov V.I.)

2. Отечественные записки (Otechestvennye zapiski)

ای پادشاه آسمان!

مرا نجات بده

از نیم تنه تنگ

همانند آتش

از رژه

نجاتم ده

در رژه

قرارم نده... (لرمانتف، ۱۹۷۹-۱۹۸۱: ۳۵۷) (ترجمه: م. یحیی پور).

اوج نیشخند در چهار مصرع آخر است که تقریباً برقراری نوعی رابطه رسمی بین

انسان و خدا محسوب می‌شود:

من پروردگار تعالی هستم

به این سبب خوبم

که از خواهش مکرر،

بی‌زاری نمی‌جویم (همان)

بر اساس شوق تمسخرآمیز منحصربه‌فرد، این سطور، زمینه مفهوم طنزآمیز بخش

پایانی شعر «سپاسگزاری» می‌شود: درخواست کفرآمیز برای مرگ و عدم تمایل به

تشکر بیشتر از خدا.

می‌توان گفت لرمانتف، اشعار سپاسگزاری از پروردگار جهان را واقعی نمی‌نویسد.

او در این اشعار، در واقع نداشتن صداقت واقعی انسان را به سخره می‌کشد و علت آن،

آگاهی شاعر از گناه انکارناپذیر و فریب‌های انسان برخلاف سایر موجودات خداست.

یکی دیگر از اشعار اولیه لرمانتف، «آرامستان»^۱ (۱۸۳۰) نیز بیانگر همین مطلب است.

در این شعر هم از شیوه منحصربه‌فرد خود، یعنی «نیایش من»، از اصل تضاد استفاده

کرده است. شاعر در این شعر، انسان حيله‌گر، جنایتکار و حامل شر را در مقابل طبیعت

سپاسگزار قرار می‌دهد:

با وجود این، علی‌رغم روحیه شک و اهریمنی قهرمان شعر لرمانتف، شاعر همانند قهرمانش می‌تواند صادقانه بگوید:

می‌خواهم با آسمان آشتی کنم،
می‌خواهم دوست بدارم، می‌خواهم دعا کنم
می‌خواهم به خیر و نیکی ایمان بورزم...

تمایل شورانگیز نیایش و عشق به خدا با وضوح بیشتری در شعر «آن هنگام که دشت زرد مشویش است»، (۱۸۳۷) مجسم شده است. این اثر را می‌توان با اشعار نیایشی شاعر مرتبط دانست؛ زیرا در آن، موضوع دگرگونی نیایشی طنین‌انداز است. در این شعر، شاعر رجوع مستقیم به خالق ندارد. در عوض، جذابیت آفرینش جهان توسط خدا با زیبایی روشن و برکتش در شعر تحسین شده است:

آن هنگام که دشت زرد مشویش است
و جنگل با طراوت با صدای باد هیاهو می‌کند
و آلودگی تمشکی در باغ
به زیر سایه شیرین برگ سبز پنهان می‌شود،

آن هنگام که غروب سرخ‌فام یا شفق طلایی صبح‌گاه
آغشته به شبنم معطر است
گل استکانی نقره‌فام از زیر بوته

با رویی گشاده سر تعظیم در برابرم فرود می‌آورد... (ترجمه: م. یحیی‌پور)
سطرهای پایانی شعر «آن هنگام که دشت زرد مشویش است»، به مسیر دشوار معنوی شاعر، به حماسه‌اسرارآمیز شخصی وی با تشویش‌ها و اندوه‌هایش که رد آن در چین‌های چهره او باقی مانده است، اشاره دارند. مهم آن است که شاعر هم‌زمان که غرق تماشای طبیعت است، به سعادت زمینی انسان و حضور انکارناپذیر خدا در جهان نیز پی می‌برد.

هنگامی که چشمهٔ سرد در درهٔ کرشمه می‌کند
و غرق در اندیشهٔ ژرف در خوابی پریشان،
پیرامون مناطق صلح آمیزی که از آن به سرعت می‌گذرد
از افسانهٔ اسرار آمیزی برایم سخن می‌گویید، -

آن‌گاه تشویش روحم رام می‌شود،
آن‌گاه چین‌ها از جبینم محو می‌شوند، -
و من قادر به درک سعادت در زمین خواهم بود
و خدا را در آسمان‌ها می‌بینم... (لرمانتف، ۱۹۷۹-۱۹۸۱: ۳۷۹) (ترجمه: م. یحیی -
پور).

همان‌گونه که مرژکوفسکی گفته است، عشق غیرزمینی به زمین، از ویژگی‌های
لرمانتف است که در تمامی جهان شعر، انحصاری نیست (مرژکوفسکی، ۱۹۹۱: ۴۰۸).

نتیجه‌گیری

چنان‌که ملاحظه شد، با بررسی چهار شعر با عنوان «نیایش» و همچنین اشعار
«فرشته»، «سپاسگزاری»، «آن هنگام که دشت زرد مشوش است» و «آرامستان» می‌بینیم
که نیایش در آثار لرمانتف به اشکال گوناگون بیان شده است. به نظر می‌رسد قهرمان
اشعار اولیه اش دارای روحیهٔ شک و اهریمنی است؛ ولی در اشعار پایانی او خواهان
آشتی صادقانه با آسمان (خدا) است و می‌خواهد خالصانه نیایش کند. نارضایتی‌های
حاصل از اختلافات زندگی خانوادگی و جامعه، بی‌تأثیر در نوع بیان نیایش شاعر
نیست که گاه بوی شکوه می‌دهند یا با طنز بیان می‌شوند؛ ولی از سوی دیگر، مناجات
صاحب‌دلان در اشعار نیایشی او شنیده می‌شود. شاعر مدام در اشعارش با تضاد، خواننده
را عذاب می‌دهد.

اشعار نیایشی لرمانتف دارای مضمون عاطفی، شکوه، طنز، خودشناسی و نهایتاً
خداشناسی است. به عبارتی، او از دنیای شک، قدم در دنیای یقین می‌گذارد. تکنیک

مشخص به کار گرفته شده توسط لرمانتف، برگرفته از اصول تضاد بوطیقای مزامیر کتاب مقدس است. برای تفکر شاعرانه لرمانتف، نه تنها ژانر نیایش، بلکه وسیع تر از آن، یعنی تمامی حوزه‌های مذهبی- نیایشی، انعکاس دهنده روح جست و جوگر شاعر و مسیر خودشناسی و خداشناسی وی محسوب می‌شوند. در این مسیر، لرمانتف به اتحاد انسان، طبیعت و خدا پی می‌برد. همان طور که دیدیم، اشعار تمجیدی او از خدا، هارمونی و سعادت را در ذهن خواننده تداعی می‌کنند.

منابع

- کتاب مقدس، ترجمه تفسیری (شامل عهد عتیق و جدید)، ۱۹۹۵.
- ملک ثابت، مهدی (۱۳۸۵)، نوع ادبی مناجات‌های منظوم فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۵۷، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۴۲.
- یحیی پور، مرضیه و زینب صادقی سهل آباد (۱۳۹۶)، میخائیل لرمانتف و مشرق زمین، چ ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یحیی پور، مرضیه، کریمی مطهر، جان‌اله، مالتسوا، تاتیانا و معصومه میرزایی (۱۳۹۸)، نیایش‌های نهان آسمانی در اشعار الکساندر پوشکین، فصلنامه عرفان اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، صص ۳۲-۵۱.

- Абрамова, В. (2018). Гендерная репрезентация эмоций в романе М.Ю. Лермонтова «Герой нашего времени». *Исследовательский Журнал Русского Языка и Литературы*, 6(1), 81-99. <https://doi.org/10.29252/iarll.11.1.81>

- Аверинцев С.С. (1986), Арфа царя Давида. У истоков древнейшей лирической –традиции // Иностранная литература, No. 6, pp. 189- 194.

- Кошемчук Т.А. (2009), Русская литература в православном контексте. СПб.

- Красов В.И. (1964), Стихотворения // Поэты кружка Н.В. Станкевича. Н.В. Станкевич, В.И. Красов, К.С. Аксаков, М.П. Ключников. Вступительная статья, подготовка текста и примечания С.И. Машинского. М.-Л.: Советский писатель, Электронный ресурс: <http://www.all-poetry.ru/biblioteka2.html>

- Лермонтов М.Ю. *Собрание сочинений: в 4 т.* / АН СССР. Ин-т рус. лит. (Пушкин. дом);— Изд. 2-е, испр. и доп. — Л.: Наука.

Ленингр. отд-ние, 1979—1981. — Том 1, Стихотворения 1828—1841 годов.

-Лермонтов М.Ю. (1988), **Собрание сочинений: в 2 т.**, М.: Правда.

-Мандельштам О. (1990), **Дайте Тютчеву стрекозу...** / О. Мандельштам // Сочинения в 2 т. – Т. 1. Стихотворения и поэмы. – М.: Художественная литература.

-Мережковский Д.С. М.Ю. (1991), **Лермонтов. Поэт сверхчеловечества** // Д.С. Мережковский. В тихом омуте. Статьи и исследования разных лет. – М., С. 378-415.

- Перевалова О.А. (2014), **Жанровые разновидности лермонтовских молитв** / О.А. Перевалова // Известия Уральского федерального университета. – Серия 2. Гуманитарные науки., С. 39-46.

- Перевалова О.А. (2015), **Стихотворная молитва в русской поэзии века: жанровая динамика и типология.** – Автореф. дисс... канд. филол. наук: 10.01.01 – русская литература / О.А. Перевалова. – Екатеринбург, – 28 с.

- Солоухин В.А. (1989), **По небу полуночи ангел летел...** // Литература в школе. — №4.

- <https://pishi-stihi.ru/ne-obvinyaj-menya-vsesilnyj-lermontovmolitva-lermontov.html>

- <https://orthgymnazy.ru/upload/iblock/e90/lermontov>

